ترجمه کلمات از زبانی به زبانی دیگر

محیط طباطبائی، محمد

منظور از بحث درباره l.t یا ترجمهء عاریتی نشان داده اهمیت آن و استفاده ایستکه‏ امروزه از آن در بیشتر زبانها جهت برگرداندن واژه‏های علمی و غیره بزبان ملی،صورت‏ میگیرد.ابتدا به بررسی l.t و نمونه‏هائی از آن در زبانهای اروپائی،عربی و فارسی پرداخته، سپس پیشنهادهای خود را در این زمینه در مقاله‏ای دیگر با ذکر نمونه هائی مطرح خواهم‏ ساخت.

بطور کلی منظور از l.t عبارتست از ترجمهء اجراء تشکیل‏دهندهء یک کلمه از زبانی‏ بزبان دیگر است.برای نمونه کلمهء یونانی Sun/e?jdesis را در نظر میگیریم که از دو جزء -Sun- هم و c?jdesis -دانش،علم،درست شده که در زبانهای رومی Con/scientia در زبان‏ گوتیک به: Mi?/wissi و در آلمانی به Ge/wissen و در فرس قدیم به Sam/wit و بالاخره‏ در روسی به So/vest ترجمه گردیده است که در تمام آنها جزء اول معنی«با،هم»و جزء دوم معنی«دانش،دانستن»را میدهد.در آلمانی Vonder/arm در انگلیسی Fore/arm در در فرانسه Avant/bras وجود دارند که همگی ترجمهء Ante/brachium لاتین هستند که‏ جزء اول معنی«جلو،پیش»و جزء دوم معنی«بازو»را دارد.همینطور Nach/mittag آلمانی After/noon انگلیسی Apre?s/midi فرانسوی نیز ترجمهء Post meridiem لاتین هستند که جزء اول معنی«پس از»جزء دوم معنی«ظهر»را میدهد.

از زبانهای اروپائی شاید بتوان گفت که آلمانی بیش از دیگر زبانها باین امر اهمیت میدهد چنانکه برای واژه‏های:تلفن ṣTelephone مثلث Triangle و تلویزیون‏ Te?levision که دیگر جنبهء بین‏المللی پیدا کرده‏اند معادل‏هائی چون: ṣFernsprecher Dreieck و Fernsehen دارد.در زبان انگلیسی نیز کوشش‏هائی در این جهت ولی بمقیاس‏ کمتری صورت گرفته از جمله در مورد کلمات زیر:

ساس Chino/coris-Bed/bug

قند چوب Xyl/ose-Wood/sugar

قند میوه Fruct/ose-Fruit/sugar

پاشویه Pedi/luvium-Foot/bath

سنگ صفرا Biliary/calculus-Gall/stone

بلندگو Mega/phone-Loud/speaker

باران‏سنج Pulvio/meter-Rain/gauge

مترجمین اسلامی در ترجمهء کتب یونانی بعربی باین موضوع توجه داشته‏اند.نگاهی به‏ بعضی از واژه‏های پزشکی،گیاهی و هیئت این مطلب را روشن میکند.مثلا نوعی بیماری‏ وجود دارد که انسان هرقدر بخورد باز هم احساس گرسنگی میکند که بعربی آنرا جوع البقر میگویند.این کلمه ترجمهء Bou/limos یونانی است که قسمت اول معنی«گاو»را میدهد و قسمت دوم معنی«گرسنگی»را میدهد.لسان الکلب که اسم گیاهی است نیز ترجمهء Cyno/glossos یونانی است که قسمت اول معنی«سگ»و قسمت دوم معنی«زبان»را میدهد و در فرانسه Langue de chien در انگلیسی Hound,s tongue و در آلمانی‏ Hundzunge میگویند.کلمهء بین النهرین نیز ترجمهء دقیقی است از کلمهء یونانی Meso/potami/a که قسمت اول،بمعنی«میان»قسمت دوم بمعنی«رودخانه»و قسمت سوم علامت جمع است. لسان الثور نیز ترجمهء Bouglossos است که جزء اول معنی«گاو»جزء دوم معنی«زبان» را میدهد و به انگلیسی Bugloss به فرانسه Langue de boeuf و به آلمانی Ochsenzunge میگویند.موضوعی که در این ترجمه‏ها بخصوص ترجمهء عربی آن رعایت شده جنس«گاو»است‏ زیرا Bous در یونانی بمعنی گاو نر است که بعربی ثور میگویند.واژه‏های دب اکبر،دب‏ اصغر،کلب اکبر،کلب اصغر،سرطان،اسد،رامی که در هیئت بکار میروند همه ترجمه از یونانی‏ میباشند و صورت لاتین آنها بقرار زیر است: ṣUrsa major ṣUrsa minor Canis major ṣCanis minor ṣCancor ṣLeo Sagitlarius این نوع ترحمه هنوز هم در زبان عربی‏ متداول است چنانکه Duodenum بمعنی«دوازدهه»را به اثنی عشر Rectum بمعنی‏ «راست»را به مستقیم Vecter بمعنی بردار را به حامل ترجمه کرده‏اند و بطین و اذین‏ را که مصفر بطن و اذن هستند معادل Ventricle و Auricle که مصفر -Venter شکم و -Auris گوش میباشند قرار داده‏اند.

بعلت خویشاوندی زبان فارسی با دیگر زبانهای هند و اروپائی میتوان ترکیبات‏ همانندی را در این زبانها یافت.در فارسی شب‏آهنگ بمعنی بلبل بکار میرود،در انگلیسی‏ Night/ingle و در آلمانی Nachti/gall وجود دارد.جزء اول هر سه کلمه یک معنی را میدهد. آهنگ در فارسی بمعنی آواز،است و -gale و -gall نیز از فعل Galan بمعنی آواز خواندن‏ گرفته شده‏اند.

یا کلمهء آفتاب‏گردان که به یونانی Helio/tropion و به آلمانی Sonnenwende و به انگلیسی Turnsole میگویند که در تمام آنها دو جزء«خورشید آفتاب»و«گشتن»وجود دارد تعدادی از لغات علمی که سابق بر این داشته‏ایم،از زبانهای دیگر و با واسطه عربی ترجمه‏ شده چنانکه سگ زبان،گاو زبان،زبان گنجشک،بره،خرچنگ،و خوشه که ترجمه‏ای‏ از لسان الکلب،لسان الثور،لسان المصفور،حمل،سرطان و سنبله میباشند.بسیاری از ترکیبات جدیدی که در فارسی بویژه در علوم پزشکی داریم ترجمه‏ای است که مستقیما از زبانهای دیگر صورت گرفته از جمله کلمات زیر:

سیب‏زمینی La pomme de terre آسمان خراش Gratte-ciel راه‏آهن Le chemin de fer موج‏شکن Brise-laine سالگرد Anniversary درشت‏نی-قصبه کبری Canna major-tibia نازک‏نی-قصبه کبری Canna major-fibula

بطور کلی اینگونه ترجمه در زبان فارسی ممکن است با حذف اضافه مثلا زبان‏ گنجشگ برای لسان العصفور یا با قلب کلمه مانند سگ زبان برای لسان الکلب و یا قیاس مانند پاتن برای Anticorps بقیاس پازهر Antitoxine توأم باشد.

در مقالهء بعدی واژه‏هائیکه بر این اساس توسط فرهنگستان ساخته‏شده با ذکر نمونه بررسی میکنیم.

غزل

به لطفی میشود حرف از لب آن گلبدن بیرون‏ که بوی گل شود صبح بهاران از چمن بیرون‏ ز بس زهر جفا از دوستان دیدم نمیسازم‏ برای دشمنان شکرشکر از دهن بیرون‏ جدا سازد سرش با تیغ از تن پنجهء دوران‏ چو ناخن هرکه با ما شد ز حد خویشتن بیرون‏ طلوع صبح عیدین است پنداری ز یک مطلع‏ دو پستانش اگر بینی و چاک پیرهن بیرون‏ نمیباشد به دریا امتیازی سنگ و گوهر را صفاطبعان بعالم قدر دارند از وطن بیرون‏ مشام اهل درد از یک شمیم او شود تازه‏ گلی کز بعد مردن میشود از خاک من بیرون‏ اگر چون سبحه از فیض خموشی پی برد واعظ نسازد از لب خود یک سخن با صد دهن بیرون‏ خلیل از دیدهء معنی بخلوتخانهء دل بین‏ بغیر از مهر جانان هرچه باشد برفکن بیرون